٥ــ عَمِلَ: کار کرد، عمل کرد

لِمَ ما عَمِلْتُم بِواجِباتِكُم؟ (ماضی منفی)	أَ تَعْمَلونَ في الْمَصنَعِ؟
برای چه عمل نکردید به تکالیفتان	آیا کار می‌کنید در کارخانه؟
اَلْعُمّالُ مَشغولونَ بِالْعَمَلِ: (جمع مکسر العامل)	
کارگران مشغولند به کار کردن	

٦ــ عامَلَ: رفتار کرد

إلٰهي، عامِلْنا بِفَضْلِكَ! (فعل امر باب مفاعلة)	إلٰهي، لا تُعامِلْنا بِعَدْلِكَ! (فعل نهی)
خدای من، رفتار کن با ما با فضل خود	خدای من، رفتار نکن با ما با عدالتت!
كانوا يُعامِلونَنا جَيِّداً: (ماضی استمراری)	
رفتار می‌کردند به خوبی:	

٧ــ ذَكَرَ: یاد کرد

قَدْ ذَكَرَ الْمُؤمِنُ رَبَّهُ: (ماضی نقلی)	ذُكِرْتَ بِالْخَيْرِ: (ماضی مجهول)
یاد کرده است مومن پروردگارش را	یاد شدی به نیکی
قَدْ يَذْكُرُ الْأُستاذُ تَلاميذَهُ الْقُدَماءَ:	
گاهی یاد می‌کند استاد دانش آموزان قدیمی اش را	

٨ــ تَذَكَّرَ: به یاد آورْد

جَدّي وَ جَدَّتي تَذَكَّراني:	سَيَتَذَكَّرُنَا الْمُدَرِّسُ:
پدربزرگم و مادربزرگم به یاد آوردند مرا	به یاد خواهد آورد ما را معلم
لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَميلي:	
به یاد نمی آورم تو را ای همکلاسی ام	